

تحلیل روایات تفسیری فریقین پیرامون مفهوم گریه آسمان و زمین در آیه ۲۹ سوره دخان

عبدالله میراحمدی (استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی) (نویسنده مسئول)

mirahmadi_a@khu.ac.ir

فاطمه نصیری نصرآبادی (دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه رفیعة المصطفی (ع))

nasirifateme54@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵)



چکیده

پژوهش حاضر به روش تحلیل محتوا به بررسی روایات تفسیری فریقین درباره گریه آسمان و زمین ذیل آیه ۲۹ سوره دخان پرداخته است. بر اساس این روایات، آسمان و زمین در مرگ مؤمنان، پیامبران، صالحان، حضرت یحیی و امام حسین (ع) گریه می‌کنند. در مقابل، برای موجودات خبیثی چون فرعونیان - که در عالم، هیچ عمل خیری نداشتند و تنها به تبهکاری می‌پرداختند و ارزش و اعتباری نزد کائنات این دنیا و در پیشگاه باری تعالی نداشتند - گریه نکردند و این نشان از حقارت آنهاست. با آن‌که بر پایه آیاتی که به هدایت موجودات اشاره دارند، تمامی موجودات دارای شعور هستند، برخی از اندیشمندان گریه موجودات فاقد شعور همچون آسمان و زمین را مشکل دانسته و آن را به گریه اهل آسمان‌ها و زمین توجیه کرده‌اند. برخی نیز آن را تعبیری کنایی شمرده‌اند. برخلاف تلقی غیر حقیقی بودن، روایات فراوانی در منابع روایی فریقین به شکل مستفیض نقل شده‌اند که بر اساس آنها، پس از شهادت امام حسین (ع) وقایعی همچون سرخی افق به هنگام طلوع و غروب خورشید رخ داد. این وقایع بر گریستن حقیقی اجزای هستی به‌ویژه آسمان و زمین بر امام حسین (ع) اشاره دارند. در این میان، تمامی موارد بیان شده که مفسران فریقین در مفهوم آیه ذکر کرده‌اند، به عنوان مصداق‌هایی برای گریه در آیه محسوب می‌شود؛ هر چند گریه آسمان‌ها و زمین بر امام حسین (ع) مصداق اتم تلقی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: گریه بر امام حسین (ع)، گریه آسمان و زمین، روایات تفسیری، آیه ۲۹ سوره دخان.

مقدمه

آیه ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾؛ پس نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین و [هنگام نزول عذاب هم] مهلت نیافتند (دخان: ۲۹)، در مقام بیان این مطلب است که پس از غرق شدن فرعونیان، آسمان و زمین بر آنان گریه نکردند؛ زیرا آنها موجودات تبهکاری بودند که هیچ عمل خیری روی زمین انجام ندادند و پس از رفتن آنها کسی جای خالی آنان را احساس نکرد؛ به همین دلیل، هیچ کس قطره اشکی بر مرگ آنان فرو نریخت. در مقابل، در روایات متعددی آمده است که هنگامی که مؤمنی از دنیا می‌رود، مکان نماز او در زمین و محل بالا رفتن عمل او به سوی آسمان در فقدان او می‌گیرند. چنین روایاتی - که بیان می‌کنند زمانی که امام حسین (ع) به شهادت رسید، آسمان و زمین بر مصیبت او گریه کردند و آسمان خون بارید و هر سنگی را که از زمین بر می‌داشتند زیر آن خون تازه بود - هم در کتاب‌های شیعه و هم در منابع اهل سنت، نقل شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۸؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۹/۵؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۲/۱۲).

با آن که آیات فراوانی بر اختیار، شعور و ادراک همه موجودات هستی اشاره دارند، عده‌ای گریه موجودات فاقد شعور همچون آسمان و زمین را نپذیرفته‌اند و روایات ناظر به گریه آسمان‌ها و زمین را متوجه اهل آن می‌کنند. برخی نیز آن را تعبیری کنایی شمرده‌اند. حال آن که بر اساس دلایل عقلی و نقلی، هر موجودی بر حسب درجه وجودی خویش، دارای علم، ادراک و حیات است. به بیان دیگر، مسئله علم در تمامی آفریده‌ها وجود دارد؛ به این معنا که هر جا خلقت راه یافته، علم نیز بدان جا رخنه کرده است. هر یک از موجودات نیز به مقدار بهره‌ای که از وجود دارند، از علم هم بهره‌ای دارند. هر چند این بدان معنا نیست که تمامی موجودات از نظر علم با یکدیگر برابرند یا آن که علم در همه یک نوع و یا همه آنچه را که انسان می‌فهمد، می‌فهمند و باید انسان به علم آن‌ها پی ببرد! (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۵۱)

از بسیاری از آیات به دست می‌آید که همه موجودات، دارای شعورند. در این میان، افزون بر آیات ناظر به تسبیح موجودات ذی‌شعور، آیاتی (مانند رعد: ۱۳؛ نور: ۴۱؛ انبیاء: ۷۹؛ ص: ۱۸ - ۱۹؛ سبأ: ۱۰) به تسبیح موجودات غیر ذی‌شعور اشاره دارند. برخی از مفسران در تبیین





این نوع از آیات، تسبیح موجودات را آگاهانه و از روی شعور و ادراک می‌دانند. آنها ضمن تأکید بر حقیقی و قولی تسبیح موجودات به تشریعی بودن تسبیحشان باور دارند. لازمه تشریعی بودن تسبیح موجودات نیز بیانگر برخورداری اختیار و اراده و به تبع آن، مکلف بودن آنهاست (معین و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵ و ۲۰) و از سوی دیگر، بر اساس برخی روایات پس از شهادت امام حسین علیه السلام حوادث شگرفی در عالم رخ داد که به نوعی بیانگر غضب الهی در برابر این جنایت عظیم بود. یکی از این اتفاق‌های عجیب، گریه آسمان و زمین به‌شمار می‌آید که به نوعی معجزه‌ای الهی بوده و نشان از بزرگی این واقعه داشته است. چنان‌که مشابه آن پیش‌تر برای حضرت یحیی علیه السلام رخ داده است. با این توضیح که این دو شخصیت، انسان‌های بسیار بزرگی بوده‌اند و در راه خدا بسیار مظلومانه شهید شده‌اند و شهادت آنها بسیار بااهمیت بوده است. به بیان دیگر، امام حسین علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام به صورت بسیار مظلومانه‌ای و در راستای اهداف الهی، جان خود را فدا کردند. شهادت آنها به قدری تأثیر برانگیز بود که هیچ حزنی به اندازه حزن و عزاداری بر آنها، دارای اهمیت نبوده است. این‌که آسمان و زمین بر آنها گریه کرده‌اند و تنها برای این دو، چنین حالتی رخ داده، بیان اوج غم و اندوهی است که در مورد هیچ فرد دیگری از انسان‌ها سابقه‌ای نداشته است.

۱- مفهوم لغوی بکاء

واژه «بکاء» به دو گونه قصر و مد صورت می‌بندد. حال اگر به صورت قصر خوانده شود، به معنای گریستن و اشک ریختن است و اگر با مد بیاید، به معنای صدای همراه با گریستن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۲۸۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۸۲). در هر صورت، اصل مشترک میان دو حالت قصر و مد، در آن است که نقطه مقابل ضحک (خنده) هستند (ر. ک: مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱/۳۲). به بیان دیگر، گریه صدادار، «بکاء» و گریه بی‌صدا «بکا» نامیده می‌شود. با مراجعه به آیات و روایات درمی‌یابیم گریه انواع فراوانی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: گریه خوف؛ گریه شوق؛ گریه حزن؛ گریه سوگ؛ گریه مصیبت یا عاطفی؛ گریه موافقت یا تباکی؛ گریه شادی؛ گریه گناه؛ گریه فریب؛ گریه دروغین؛ گریه استیجاری؛ گریه ریایی؛ و گریه در زمان تلاوت قرآن (بابایی، ۱۳۸۷: ۳۵).

با مراجعه به منابع ادبی در می‌یابیم که در زبان عربی، لفظ بکاء برای جمادات مانند ستارگان نیز به کار می‌رود، چنان‌که می‌گویند: «تَبَكَّى عَلَيْكَ نُجُومُ اللَّيْلِ وَالْقَمَرُ: ستارگان شب و ماه بر تو گریه می‌کنند» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۴/۱۹). آیه ۲۹ سورة دخان نیز شاهد این مدعاست. برخی از لغویان با این توجیه که «بُكِيَ» هم در حزن و ریزش اشک و هم در حزن و گریه به تنهایی و در مواردی در اندوه همراه با ریزش اشک کاربرد دارد، گریه آسمان و زمین در آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» را مجازی می‌دانند. در این صورت، تقدیر آیه چنین است: اهل آسمان بر آنها گریه نکردند و اندوهگین نشدند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۱). هر چند چنان‌که بیان شد بر اساس آیات الهی با توجه به تسبیح آسمان و زمین و عدم درک انسان، گریه نمی‌تواند در آیه نمادین باشد.

۲- مراد از گریه در آیه ۲۹ سورة دخان از منظر مفسران

مفسران شیعه و اهل سنت در خصوص گریه آسمان و زمین در آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» (دخان: ۲۹)، دیدگاه‌های مختلفی دارند. همچنین در مورد ساختار ظاهری و محتوایی آیه، احتمالاتی را به‌طور مشترک مطرح کردند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۲-۱- مجاز بودن گریه نکردن آسمان و زمین و کنایه از حقارت فرعونیان

برخی مفسران معتقدند: گریه نکردن آسمان و زمین بر فرعونیان، مجاز است بر عدم اهتمام به آنها و به حساب نیاوردنشان و نیز کنایه از حقارت آنها و عدم وجود یار و یاور و دلسوز برای آنهاست؛ زیرا در میان عرب، معمول است هنگامی که می‌خواهند اهمیت مقام کسی را که مورد مصیبتی واقع شده بیان کنند، می‌گویند: «آسمان و زمین بر او گریه کردند و خورشید و ماه برای فقدان او تاریک شدند». فرعونیان چون موجودات خبیثی بودند، هنگامی که آنها از صحنه عالم محو شدند، کسی جای خالی آنها را احساس نکرد، نه در صحنه زمین، نه بر پهنه آسمان و نه در اعماق قلوب انسان‌ها؛ لذا هیچ کس قطره اشکی بر مرگ آنها نریخت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۸/۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۹/۲۵؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۸۷/۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۷/۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷۹/۲۱؛ سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲: ۱۷۴/۱۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۱۲؛ شبیر، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۶؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳:

۲۱/۱۲؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۳۳۶/۳؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۴۵۶/۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۵۹/۴؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۵۳۷/۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۶۰/۲۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۹۱/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۷۶/۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۵).

ثعالبی معتقد است در آیه مورد بحث، استعاره فصیحی است که متضمن تحقیر امر فرعونیان است و این که به دلیل هلاکت ایشان چیزی تغییر نمی کند مثل قول پیامبر ﷺ که فرمودند: «لا ینتطح فیها عنزان» یعنی به خاطر هلاکت آنها هیچ عواقب ناگواری پیش نخواهد آمد و حتی دو بز با یکدیگر شاخ به شاخ نخواهند شد (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۵). برخی از مفسران اهل سنت نیز می گویند: این عدم بکاء، شبیه مسخره کردن است؛ یعنی آنها خودشان را بزرگ می دانستند و معتقد بودند اگر بمیرند، آسمان و زمین بر آنها خواهد گریست؛ اما ایشان را آن اندازه نبودند، بلکه پست تر از این حد تعظیم بودند و پست تر از آن بودند که احدی از اهل آسمان و زمین بر آنها گریه کند و خداوند از باب سرزنش ایشان ذکر کرده که آسمان و زمین بر آنها نگریست (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۶۰/۲۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۱۳؛ مراغی، بی تا: ۱۲۸/۲۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۷۱/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۷۶/۴).

۲-۲- گریه اهل آسمان و زمین

مفسران این احتمال را نیز دادند که منظور از عدم بکاء در آیه، «گریستن اهل آسمان ها و زمین است» از ملائکه و مردم؛ زیرا آنها برای مؤمنان و مقربان درگاه خداوند گریه می کنند، نه برای جبارانی همچون فرعونیان. بنابراین معنا مضاف حذف شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۸/۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷۹/۲۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۵۹/۴؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۵۳۷/۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۶۰/۲۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۱۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۹۱/۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۷۱/۳؛ ماوردی، بی تا: ۲۵۲/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۷۶/۴).



۲-۳. گریه نکردن آسمان و زمین در مقابل نداشتن عمل صالح

بیشتر مفسران اهل سنت بر این اتفاق نظر دارند که فرعونیان، نه عمل صالحی روی زمین انجام دادند تا برای ایشان گریه کند و نه کلام طیب و عمل صالحی به سوی آسمان فرستادند تا برای ایشان گریه کند. فخر رازی نیز معتقد است این قول اکثر مفسران اهل سنت است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۸/۹؛ شبر، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۵۹/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۶۰/۲۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۱۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷).

۲-۴. گریه حقیقی

برخی از مفسران معتقدند گریه آسمان و زمین، یک گریه حقیقی است که به صورت نوعی دگرگونی و سرخی مخصوص (علاوه بر سرخی همیشگی به هنگام طلوع و غروب) خودنمایی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷۹/۲۱؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۵۳۷/۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۹۱/۴).

در روایتی آمده است: هنگامی که امیر مؤمنان علی علیه السلام بر مدائن گذشت و آثار کسری (انوشیروان و شاهان ساسانی) را مشاهده کرد که نزدیک به فرو ریختن است، یکی از کسانی که در خدمتش بود این شعر را به عنوان عبرت قرائت کرد:

جرت الريح على رسوم ديارهم فكانهم كانوا على ميعاد!

«بادها بر آثار باقیمانده سرزمینشان وزیدن گرفت [و چیزی جز صدای باد در میان قصر آنها به گوش نمی‌رسد]؛ گویی آنها همگی وعده‌گاهی داشتند و به سوی وعده‌گاهشان شتافتند!».

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: چرا این آیه را نخواندی: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ... فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۴/۷۵). گویا امیر المؤمنین علی علیه السلام این آیه را مایه عبرت برای تاریخ

دانسته که افرادی با وجود تمام دارایی‌ها و جلال و شکوه در عالم، با مرگ، همه چیزشان را از دست می‌دهند و تنها اگر کار خیر و عمل صالحی داشته باشند در دنیا می‌ماند.

۳- مصداق گریه از منظر روایات تفسیری

۱-۳- روایات مشترک شیعه و اهل سنت ذیل آیه

با بررسی تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت برخی از روایات ذکر شده ذیل آیه ۲۹ سوره دخان را هر دو گروه مفسران ذکر کردند که به آنها اشاره می‌شود. این روایات به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۳-۱- گریه باب نزول روزی و باب بالا رفتن عمل مؤمن هنگام مرگ

روایات بسیاری از شیعه و اهل سنت ذیل آیه، درباره گریه باب نزول روزی و بابی که عمل مؤمن از آن بالا می‌رود وارد شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

انس از پیامبر خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «ما من مؤمن إلا وله باب يصعد منه عمله و باب ينزل منه رزقه، فإذا مات بكيا عليه؛ هیچ مؤمنی نیست مگر آن که یک در برای بالا رفتن عملش و یک در برای پایین آمدن روزی‌اش در آسمان وجود دارد، و هر گاه مُرد، بر او گریه می‌کنند» (حویزی، ۱۴۱۵: ۶۲۷/۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۹/۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۱۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۱/۸).

در روایتی مشابه از انس بن مالک از پیامبر ﷺ به آیه ۲۵ سوره دخان استناد شده و آن را به فرعونیان نسبت داده است. انس بن مالک از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: «هیچ بنده‌ای نیست مگر آن که برای او در آسمان، دو در وجود دارد: یک در برای بالا رفتن عملش و یک در برای پایین آمدن روزی‌اش، و هر گاه بمیرد بر او گریه می‌کنند» و آیه ۲۵ سوره دخان را تلاوت کرد و فرمود: «قوم فرعون روی زمین عمل صالحی انجام ندادند که برای آنها گریه کند و نه از کلامشان کلام طیب و نه از عملشان عمل صالح چیزی به سوی آسمان بالا نرفت تا با از دست دادن آنها گریه کند» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۲۸۸/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۹۱/۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۸؛ خازن، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۷۸/۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۹۱/۵؛ ابن ابی زینب، ۱۴۲۴: ۳۰۱/۲؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۵۲/۵؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۲۶۷/۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۶۰/۲۷).



۳-۱-۲- گریه مصلی مؤمن بر او و باب بالارفتن عملش

مفسران روایی شیعه و اهل سنت، روایات فراوانی با بیان‌های مختلف آورده‌اند که به گریه جایگاه نماز مؤمن روی زمین و قسمتی از آسمان که عمل او از آن جا بالا می‌رود اشاره دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

از ابن عباس روایت شده که از او درباره این آیه پرسیدند که: آیا آسمان و زمین بر کسی می‌گیرند؟ در پاسخ گفت: «نعم مصلاة فی الأرض و مصعد عمله فی السماء؛ آری جایگاه نمازش در زمین، و قسمتی از آسمان که عملش از آن جا بالا می‌رود» (شبر، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۶۲۷/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۹/۹؛ اشکوری، ۱۳۷۳: ۱۰۶/۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۱۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۱/۸)، هر چند زمخشری، این روایت ابن عباس را بر سبیل تمثیل دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۷۶/۴).

برخی از مفسران اهل سنت این روایت ابن عباس را با اضافاتی به این مضمون ذکر کردند: احدی از خلائق نیست مگر برای او بابی در آسمان است که روزی از آن نازل می‌شود و عملش از آن جا بالا می‌رود. پس زمانی که مؤمن می‌میرد، این باب بسته می‌شود و در فقدان مؤمن می‌گردد و همچنین مصلی او و مکانی که در آن ذکر خدا را می‌گفت در فقدان او می‌گردد و قوم فرعون، چون آثار صالحی در روی زمین نداشتند و خیری از آنها به سوی خداوند نرفته، آسمان و زمین بر آنها نگریستند (طبری، ۱۴۱۲: ۷۴/۲۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۷۱/۳).

مفسران دیگر، روایتی از علی علیه السلام به دو مضمون آورده‌اند که به گریه مصلائی مؤمن و محل بالارفتن عمل او اشاره دارد: «أخرج ابن المنذر وغيره عن علي رضي الله تعالى عنه "إن المؤمن إذا مات بكي عليه مصلاه و مصعد عمله من السماء، ثم تلا هذه الآية": هنگامی که مؤمن بمیرد، مصلائی او و مکان بالارفتن عمل او به آسمان برای او می‌گردد و این آیه را خواند (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۲۶۷/۶؛ ماوردی، بی تا: ۲۵۲/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۱۳).



«عن عباد بن عبد الله، عنه قال: "سأل رجل علياً، هل تبكي السماء والأرض على أحد؟ فقال: إنه ليس من عبد إلا له مصلی فی الأرض و مصعد عمله فی السماء. وإن آل فرعون لم یکن لهم عمل صالح فی الأرض، ولا مصعد فی السماء؛ مردی از علی سؤال کرد: آیا آسمان و زمین بر احدی گریه می کند؟ علی گفت: "او بنده ای نیست مگر این که برای او مصلای روی زمین و محل بالارفتن عملش در آسمان برای او می گزید. و آل فرعون عمل صالحی روی زمین نداشتند و نه عملی که به سوی آسمان بالا رود" و سپس این آیه را خواند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۲۸۸/۱۰ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۹۱/۴).

شیبانی نیز روایتی از انس بن مالک به همان مضمون روایات قبل، از پیامبر اکرم ﷺ آورده: «ما من مؤمن إلا وله بابان: باب یصعد فیه عمله، و باب ینزل منه رزقه. فإتھما إذا مات یبکیان علیه، و یبکی علیه معالم سجوده من الأرض» (شیبانی، ۱۴۱۶: ۳۹۸/۴).

طبری ذیل این آیه، روایات متعددی را ذکر کرده که در آنها اشاره می کند: آسمان و زمین بر کافر و اهل معصیت گریه نمی کند و بر مؤمن صالح و اولیاء الله، محل عمل او و محل نماز او در مساجد روی زمین و مقر عملش در آسمان، گریه می کند (ر. ک: طبری، ۱۴۱۲: ۷۴/۲۵). روایت دیگری درباره شهادت محل سجده مؤمن آورده شده: «ما من عبد یضع جبهته فی بقعة من الأرض ساجداً لله ﷻ الا شهدت له بها يوم القيامة و بکت علیه يوم یموت؛ بنده ای نیست که پیشانی خود را بر مکانی از زمین برای سجده بر خداوند بگذارد مگر آن که روز قیامت بر آن سجده گواهی دهد و روزی که می میرد بر او گریه کند» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۵).

ثعالبی روایت دیگری را شبیه به روایت قبل این طور آورده: و روی ابن المبارک أیضا عن أبي عبيد صاحب سليمان «أنَّ العبد المؤمن إذا مات تنادت بقاع الأرض: عبد الله المؤمن مات قال: فتبکی علیه السماء والأرض، فيقول الرحمن تبارک و تعالی: ما یبکیكما علی عبدی؟ فيقولان: یا ربنا، لم یمش علی ناحية منّا قط إلا و هو یذکرک؛ زمانی که بنده مؤمن می میرد، قطعه ای از زمین ندا می دهد: بنده خداوند مؤمن مُرد. پس آسمان و زمین بر او گریه می کند و خداوند رحمان می فرماید: چرا بر بنده من گریه می کنید؟ آنها می گویند: بر ناحیه ای از ما راه نمی رفت مگر این که ذکر تو را می گفت (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۵).

۳-۱-۳- گریه آسمان و زمین در مرگ مؤمن

در برخی تفاسیر، روایتی از رسول گرامی ﷺ درباره گریه آسمان و زمین در مرگ مؤمن ذکر شده است: «ما من مؤمن مات فی غربة غابت فیها بواکيه، إِلَّا بکت علیه السماء و الأرض؛ هیچ مؤمنی نیست که در غربت بمیرد و گریه کنندگانش در کنارش نباشند مگر این که آسمان و زمین بر او می‌گرید (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۶؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۴۵۶/۴).

طبری این روایت را با ذکر راویان و اضافاتی در پایان روایت بیان کرده و دیگر مفسران اهل سنت، آن را از طبری اقتباس کردند. سیوطی هم معتقد است که این روایت، مرسل است؛ و قال ابن جریر طبری: حدثني يحيى بن طلحة، حدثني عيسى بن يونس عن صفوان بن عمرو عن شريح بن عبيد الحضرمي قال: قال رسول الله ﷺ: «إن الإسلام بدأ غريباً وسعود غريباً كما بدأ. ألا لا غربة على مؤمن، ما مات مؤمن في غربة غابت عنه فيها بواکيه إلا بکت علیه السماء و الأرض». ثم قرأ رسول الله ﷺ: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ ثُمَّ قَالَ: «إنهما لا يبکیان على الکافر (طبری، ۱۴۱۲: ۷۴/۲۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۸؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۷۳/۵؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۲۶۷/۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۶۰/۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۷۶/۴).

برخی از روایات هم بیان کرده‌اند که در مرگ مؤمن، آسمان و زمین چهل روز می‌گرید و بکاء آسمان، همان سرخی اطرافش است: «إن المؤمن إذا مات بکت علیه السماء و الأرض أربعين صباحاً، و قال عطاء: فی هذه الآية بکاءها حمرة أطرافها» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷۴/۲۵؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۸؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۹۱/۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۷۳/۵؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۲۶۷/۶).

در روایت دیگری از سفیان ثوری از ابی یحیی القتات از ابن عباس این‌طور روایت شده است: زمین چهل روز بر مرگ مؤمن گریه می‌کند. به او گفتم آیا زمین می‌گرید؟ گفت: «آیا تعجب می‌کنی چطور زمین بر بنده‌ای که رکوع و سجود بر روی آن انجام داده، گریه نکند؟ و چطور آسمان گریه نکند بر بنده‌ای که تکبیر و تسبیحش در آن طنین‌انداز بود مانند آواز زنبور؟ برای خدا راحت است که آسمان و زمین بر آنها گریه کنند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷؛

ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۹۱/۴؛ خازن، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۴؛ ماوردی، ۲۵۲/۵).

۳-۴- سرخی آسمان به نشانه گریه بر حسین بن علی و حضرت یحیی

برخی از روایات اشاره به ولد الزنا بودن قاتل حضرت یحیی و حسین بن علی علیه السلام دارد. در این روایات، سرخ شدن آسمان در هنگام کشته شدن حسین بن علی علیه السلام تا شش ماه و در برخی تا یک سال بیان شده است. این سرخی آسمان نیز همان گریه آن دانسته شده است. در برخی دیگر از روایات نیز بیان می‌کند که آسمان بعد از قتل یحیی، بر احدی گریه نکرد تا قتل حسین بن علی که بر او گریست.



وَعَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: «كَانَ الَّذِي قَتَلَ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَلَدَ زَنَاءٍ، وَ الَّذِي قَتَلَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا وَلَدَ زَنَاءٍ، وَ قَدْ احْمَرَّتِ السَّمَاءُ حِينَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ علیه السلام سَنَةً». ثُمَّ قَالَ: بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، وَ حُمُرَتْهَا بُكَاءُهَا (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۵/۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۲۸۶/۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۹/۵).

روایتی هم زرارۀ بن اعین از امام صادق علیه السلام درباره گریه آسمان بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام بیان کردند: «بکت السماء علی یحیی بن زکریا و علی الحسین بن علی علیهما السلام أربعین صباحا، و لم تبک الا علیهما، قلت: فما بکاؤها؟ قال: كانت تطلع حمراء و تغیب حمراء؛ آسمان چهل روز بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام گریست، و بر هیچ کس جز این دو نفر نگریست. گفتیم: گریه آسمان به چه طریق بود؟ فرمودند: هنگامی که طلوع می‌کرد سرخ بود، و به هنگام غروب هم سرخ بود» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۹/۹؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۴۵۷/۴؛ اشکوری، ۱۳۷۳: ۱۰۶/۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۱۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۱/۸؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۶۲۷/۴؛ شبّر، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۰۷/۴؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۲/۱۲؛ زبیدی، ۱۴۲۸: ۹۵/۷).

از شافعی در شرح وجیز نقل شده که: این سرخی که روز قتل حسین علیه السلام در آسمان ظاهر شد، قبل از آن هرگز دیده نشده بود (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۹/۵).

سدی گفته است: «لما قتل الحسين بن علي عليه بكت السماء عليه و بكاؤها حمرة اطرافها؛ هنگامی که حسین بن علی بن ابی طالب علیه کشته شد، آسمان بر او گریست و گریه‌اش به این بود که افق آن سرخ رنگ بود».

مراد از سدی، اسماعیل بن عبد الرحمن بن ابی کریمه سدی است که از راویان بعضی ائمه هدی علیه نیز بوده اطمینان حاصل می‌شود که این قول مأخوذ و مقتبس از مشکات اهل بیت علیه است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۹/۹؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۱/۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷۴/۲۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۷۸/۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۹۱/۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۷۳/۵؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۲۶۷/۶).

در تفسیر در المنثور آمده که: ابن ابی حاتم از عبید المکتب از ابراهیم روایت کرده که گفت: از روزی که دنیا خلق شده آسمان نگریسته، مگر به حال دو نفر. شخصی از عبید پرسید: آیا جز این است که آسمان و زمین به حال مؤمن می‌گیرند؟ گفت: این در همان محلی است که مؤمن در آن جاست، و اعمالش از آن جا به آسمان بالا می‌رود. اما هیچ می‌دانی که معنای گریستن آسمان در این آیه چیست؟ گفت: نه. گفت: آسمان سرخ می‌شود و گلگون می‌گردد و این، دو نوبت اتفاق افتاده: یکی در آن وقتی که یحیی بن زکریا کشته شد، و آسمان خون ببارید، و یکی هم در وقتی که حسین بن علی علیه کشته شد که در آن روز نیز آسمان سرخ شد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ ایجی ۱۴۲۴: ۱۰۲/۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۲۸۸/۱۰).

برخی از مفسران اهل سنت پس از ذکر این روایت گفتند که در تمام اینها نظر و اشکال است و ظاهر این است که از ساخته‌ها و دروغ‌های شیعه است تا آن را بزرگ جلوه دهند و شکی نیست که آن، امر بزرگی است؛ ولیکن این اتفاقاتی را که به دروغ گفتند واقع نشده؛ زیرا بزرگ‌تر از قتل حسین واقع شده و آنچه که شیعه ذکر کردند واقع نشد. پدرش علی بن ابی طالب کشته شد که به اجماع افضل از او بوده و چیزی از این اتفاقات واقع نشد و عثمان بن عفان مظلوم و در حصر کشته شد و چیزی اتفاق نیفتاد و عمر بن خطاب در محراب در نماز صبح کشته شد و گویی مسلمین مصیبتی قبل از آن برایشان واقع نشده بود و چیزی اتفاق نیفتاد و رسول خدا ﷺ که سید همه عالم در دنیا و آخرت بود، روز مرگش چیزی از این اتفاقاتی که ذکر کردند رخ نداد و روز مرگ ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ خورشید گرفت و مردم گفتند خورشید به خاطر مرگ

ابراهیم گرفت و پیامبر نماز کسوف خواند و خطبه خواند و بیان کرد که خورشید و ماه برای مرگ یا حیات کسی نمی‌گیرد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۳/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۶؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۵۲۳۰/۵).

۳-۱-۵- گریه آسمان بر امام حسین علیه السلام با خون

تفاسیر روایی شیعه، روایتی از امام صادق علیه السلام درباره گریه آسمان به خون ذکر کرده‌اند که حضرت فرمودند: «بکت السماء علی الحسین علیه السلام أربعین یوماً بالدم؛ آسمان بر امام حسین علیه السلام چهل روز با خون گریه کرد» (حویزی، ۱۴۱۵: ۶۲۷/۴، فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۰۷/۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۱۲).

در این میان، تنها ثعلبی از مفسران اهل سنت در تفسیر خود به مضمون این روایت اشاره می‌کند؛ چنان‌که آمده است: «أخبرنا ابن بکر الخوارزمی، حدثنا أبو العیاض الدعولی، حدثنا أبی بکر بن أبی خثیمة، و به عن أبی خثیمة، حدثنا أبو سلمة، حدثنا حماد بن سلمة، أخبرنا سلیم القاضي، قال: مطرنا دماً أيام قتل الحسین؛ ایام کشته شدن حسین، آسمان خون می‌بارید» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۸).

۳-۲- روایات مختص تفاسیر روایی شیعه

در این بخش، روایاتی که تنها مفسران شیعه درباره این آیه بیان کرده‌اند بررسی می‌شود. این روایات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۳-۲-۱- کشته شدن امام حسین و گریه آسمان و زمین بر ایشان

در روایات متعددی به نقل از امام علی علیه السلام به گریه آسمان در شهادت فرزندش حسین علیه السلام اشاره شده است: سمعت أمير المؤمنين علیه السلام، فی الرحبة، و هو يتلو هذه الآية: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ إِذْ خَرَجَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام مِنْ بَعْضِ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: «أَمَا هَذَا سَيَقْتُلُ وَ تَبْكِي عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۹/۵).

ابن قولویه ذیل آیه فوق از کثیر بن شهاب حارثی روایت کرده گفت: در رحبه حضور امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب شده بودم حضرت امام حسین علیه السلام وارد شد پدر بزرگوارش تبسمی نمود تا دندان‌های مبارک آشکار شد و فرمود: «خداوند قومی را یاد نموده و از راه سرزنش فرموده آسمان و زمین بر آنها گریه نمود». پس از آن فرمود: «به خدایی که دانه‌ها را از زمین شکافته و

بیرون می‌آورد و موجودات را خلق می‌نماید، همانا فرزندان حسین را به قتل می‌رسانند و آسمان‌ها و زمین بر او گریه می‌کنند» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲۸۶/۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۵/۵؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۲/۱۲).

فِي كِتَابِ الْمَنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرِ آشوب - الْبَاقِرُ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ ذَلِكَ أَنَّ عَلِيًّا (ع) خَرَجَ قَبْلَ الْفَجْرِ مُتَوَكِّئًا عَلَى عَنزَةٍ وَ الْحُسَيْنُ خَلْفَهُ يَتْلُوهُ حَتَّى أَتَى حَلَقَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [فَرَمَى بِالْعَنَزَةِ] ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَ أَقْوَامًا فَقَالَ: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» وَ اللَّهُ لَيَقْتُلُنَّهُ وَ لَتَبْكَيْنَ السَّمَاءُ عَلَيْهِ؛

در کتاب مناقب ابن شهر آشوب از امام باقر (ع) نقل شده که درباره آیه فرمودند: یعنی علی بن ابی طالب (ع) قبل از فجر خارج شد در حالی که به عصایی تکیه داده بود و حسین پشت سر او می‌آمد، این آیه را می‌خواند تا به مجلسی که پیامبر گرد هم نشسته بودند وارد شدند. پس عصا را انداخت و فرمود: خداوند اقوامی را یاد کرده که آسمان و زمین بر آنها گریه نکردند به خدا قسم او (یعنی حسین) را خواهند کشت و آسمان بر او گریه خواهد کرد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲/۱۲؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۶۲۷).

روایت دیگری به همین مضمون از حضرت علی (ع) نقل شده که اشاره به گریه آسمان و زمین برای حضرت یحیی و امام حسین (ع) دارد.

ثم قال علی بن إبراهيم: حدثني أبي، عن حنان بن سدير، عن عبد الله بن الفضيل الهمداني، عن أبيه، عن جده، عن أمير المؤمنين (ع)، قال: «مر عليه رجل عدو الله و لرسوله، فقال: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ، ثم مر عليه الحسين بن علي (ع)، فقال: لكن هذا لتبكين عليه السماء والأرض، وقال: و ما بكت السماء والأرض إلا على يحيى بن زكريا و الحسين بن علي (ع)؛

شخصی [از مخالفان و دشمنان]، از کنار امام علی (ع) عبور می‌کرد؛ ایشان را مخاطب قرار داده و این آیه قرآن را خواند: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾ (بیان این آیه در این موقعیت برای اهانت به آن امام گفته شده بود). در همین هنگام امام حسین (ع) از آن‌جا عبور می‌کرد که حضرت علی (ع) به ایشان اشاره کرد و فرمود: «اما این شخص همان است که آسمان و زمین بر او گریه خواهند کرد». و سپس ادامه دادند: «آسمان و زمین بر هیچ‌کس

گریه نکرد، مگر برای دو شخص یکی یحیی بن زکریا و دیگری فرزندانم حسین علیه السلام (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۹/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۰۷/۴؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲۹۲/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۱۲؛ زبیدی، ۱۴۲۸: ۹۵/۷؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۴۵۷/۴).

بحرانی ذیل آیه، روایت دیگری را ذکر کرده است:

و عنه، قال: حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن الحكم بن مسكين، عن داود بن عيسى الأنصاري، عن محمد بن عبد الرحمن بن أبي ليلى، عن إبراهيم النخعي، قال: خرج أمير المؤمنين عليه السلام، فجلس في المسجد، واجتمع أصحابه حوله، وجاء الحسين - صلوات الله عليه - حتى قام بين يديه، فوضع يده على رأسه، فقال: «يا بني، إن الله غير أقواما بالقرآن، فقال: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾، و أيم الله لتقتلن من بعدى، ثم تبكيك السماء والأرض؛

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد شده و اصحابش نیز گرد حضرت نشستند. در این هنگام، امام حسین علیه السلام وارد شده و در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاد. امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که دست مبارک خویش را بر سر امام حسین علیه السلام نهاده بود، فرمود: «فرزندم، خداوند اقوامی را در قرآن کریم مورد سرزنش قرار داده و فرموده است: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾؛ قسم به خدا، که تو را خواهند کشت، سپس آسمان و زمین بر تو خواهند گریست (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۹/۵).

۳-۲- ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام و بخشش گناهان

تفاسیر روایی شیعه ذیل آیه، روایاتی در ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام و پاداش خداوند به این گریه آورده‌اند:

حدثني أبي، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: «كان على بن الحسين عليه السلام يقول: أيما مؤمن دمعت عيناه لقتل الحسين عليه السلام و من معه حتى تسيل على خده، بؤاه الله في الجنة غرفا و أيما مؤمن دمعت عيناه دمعا حتى تسيل على خده لأذى مسنا من عدونا في الدنيا، بؤاه الله مبعأ صدق في الجنة، و أيما مؤمن مسه أذى فينا فدمعت عيناه حتى يسيل دمه على خديه من مضاضة ما أودى فينا، صرف [الله] عن وجهه الأذى، و آمنه يوم القيامة من سخطه و النار؛

از حضرت باقر^{علیه السلام} روایت شده که فرمود: پدرم می فرمود: اگر اشک چشمان کسی برای کشتن حضرت امام حسین^{علیه السلام} جاری شود به مقداری که صورتش از اشک تر شود، خداوند به سبب آن گریه، غرفه ای در بهشت به او عطا می کند و هر کس گونه هایش تر شود برای خاطر اذیتی که از دشمنان به ما رسیده، خداوند او را در بهشت جای می دهد و اذیت و آزار را از او برمی گرداند و روز قیامت از آتش جهنم ایمن است و هر کس متذکر ما شود یا دیگری را متذکر سازد و اشک چشمانش جاری شود به مقداری که بال مگسی تر شود، خداوند گناه او را بیامرزد اگر چه به مقدار کف دریا باشد (قمی، ۱۳۶۳: ۲۹۱/۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۲۸۶/۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۵/۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۹/۱۲؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۶۲۷/۴؛ زبیدی، ۱۴۲۸: ۹۵/۷).

۳-۲-۳- گریه آسمان و زمین در مرگ انبیاء، مؤمن و امام حسین^{علیه السلام}

از ابن عباس در تفسیر این آیه نقل شده: زمانی که خدا پیغمبری از پیغمبران را قبض فرماید، آسمان و زمین چهل سال بر او گریه کند؛ و هر گاه بمیرد عالمی که به علم خود عمل نماید، گریه کند بر او آسمان و زمین چهل صباح؛ و اما حضرت حسین^{علیه السلام}، پس گریه کند بر او آسمان و زمین تمام دهر؛ و تصدیق آن، آن که روز شهادت او آسمان خون بارید، و این سرخی که در آسمان دیده می شود، روز شهادت آن حضرت ظاهر شد و قبل از آن دیده نشده بود، و روز شهادت آن حضرت، سنگی از زمین برداشته نشد مگر آن که زیر آن خون یافت شد (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۹/۵؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۲/۱۲).

۴- جمع بندی روایات تفسیری فریقین پیرامون گریه آسمان و زمین بر امام حسین^{علیه السلام}

با توجه به روایات فراوان نقل شده درباره حوادث پس از شهادت امام حسین^{علیه السلام} در منابع معتبر شیعی و اهل سنت با سندهای صحیح، بر پذیرش اجمالی آنها می توان حکم کرد. در حقیقت این اتفاق های عجیب، بیانگر بزرگی حادثه عاشورا و عظمت جنایتی است که در آن روز رخ داد. از این رو می توان ادعا کرد که این نوع از روایات، مستفیض هستند. این نشانه ها، هم بیانگر گریه و تأثر موجودات است و هم نشان غضب الهی است و صرف استبعاد نمی تواند دلیل بر انکار این اتفاق ها باشد (سعادت، ۱۳۹۲: ۶۸). از این رو از نظر برخی محققان، تلاش برای نقد سندی این روایات، چندان ضروری و سودمند نیست؛ زیرا که می توان نسبت به اصل

مدعای این روایات، ادعای تواتر معنوی کرد. با این توضیح که برخی از این روایات دارای سند صحیح بوده و از اصحاب ائمه علیهم السلام و راویان غیر شیعی یا در منابع معتبری همچون کامل الزیارات نقل شده‌اند. بر این اساس، اصل مسئله گریه هستی بر شهادت امام حسین علیه السلام امری قطعی است (جباری، ۱۳۸۲: ۱۳).

به طور کلی، از روایات بیان شده با توجه به معیار عرضه بر آیات و احادیث صحیح، ارتباط اجزای هستی و داری شعور بودن آنها قابل اثبات است و می‌توان آن را به معنای حقیقی حمل کرد. بر این اساس، آسمان و زمین به طور حقیقی بر امام حسین علیه السلام گریستند. گریه آنها نیز به صورت سرخی افق به هنگام طلوع و غروب خورشید ظاهر شد. حال این‌که گریه اجزای نظام هستی به ویژه آسمان و زمین به صورت مصداقی به امام حسین علیه السلام اختصاص یافته، بیانگر عظمت شهادت ایشان است. همچنین با توجه به عمومیت آیه ۲۹ سوره دخان که مفسران فریقین، مواردی را با مفهوم‌گیری ذیل آیه بیان کرده‌اند، مانند گریه آسمان و زمین پس از شهادت حضرت یحیی و امام حسین علیه السلام، مصداق‌هایی برای بکاء محسوب می‌شود که به نوعی مصداق اتم است.

نتیجه‌گیری

از آنچه در بررسی تطبیقی روایات تفسیری شیعه و اهل سنت ذیل آیه ۲۹ سوره دخان بیان شد می‌توان به این نتایج دست یافت:

۱. این رخداد به طریق‌های متعدد در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده به گونه‌ای که جای تردید باقی نمی‌گذارد که پس از شهادت امام حسین علیه السلام زمین، آسمان و دیگر موجودات هستی، بر کشته شدنش گریستند. همچنین اختصاص گریه اجزای هستی بر امام حسین و حضرت یحیی علیه السلام نشانه عظمت شهادت ایشان است.

۲. گریه نکردن آسمان و زمین بر فرعونیان، کنایه از حقارت و پستی آنهاست و با هلاکت ایشان چیزی تغییر نمی‌کند و احدی از اهل آسمان و زمین بر آنها گریه نمی‌کند.

۳. این آیه، عبرتی برای انسان‌هاست؛ همان‌طور که امام علی علیه السلام این آیه را مایه عبرت برای تاریخ دانسته که افرادی با وجود تمام دارایی‌ها و جلال و شکوه در عالم، با مرگ، همه چیزشان را از دست می‌دهند و تنها اگر کار خیر و عمل صالحی داشته باشند، در دنیا می‌ماند.

۴. از میان روایات ذکر شده ذیل آیه از سوی مفسران شیعه و اهل سنت، به روایاتی بر می‌خوریم که بیان می‌کنند با مرگ مؤمن، مصلاً و محل عبادت او و بایی از آسمان که اعمال نیک او به سوی آسمان می‌رود، در فقدانش بر او می‌گرید.
۵. برخی از روایات هم بیان کردند که در مرگ مؤمن، آسمان و زمین چهل روز می‌گرید و بکاء آسمان، همان سرخی اطرافش است.
۶. تفاسیر روایی شیعه روایاتی آورده‌اند که سرخی آسمان را نشانه گریه بر حسین بن علی و حضرت یحیی دانسته‌اند و روایتی از امام صادق علیه السلام درباره گریه آسمان را به خون در شهادت امام حسین علیه السلام تفسیر کرده‌اند که تنها ثعلبی از مفسران اهل سنت در تفسیر خود به مضمون این روایت اشاره می‌کند.
۷. در روایات متعددی نیز به نقل از امام علی علیه السلام به گریه آسمان در شهادت فرزندش حسین علیه السلام اشاره شده و مفسران روایی شیعه ذیل آیه، روایاتی در ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام و پاداش خداوند به این گریه آورده‌اند.
۸. به نظر می‌رسد با توجه به عموم آیه، تمام مواردی که مفسران شیعه و اهل سنت با مفهوم‌گیری ذیل آیه بیان کرده‌اند مانند گریه آسمان و زمین در مرگ مؤمن و انبیاء و حضرت یحیی و امام حسین علیه السلام می‌تواند بر آیه منطبق بوده و مصداق‌هایی برای بکاء باشد.
۹. برخی از مفسران اهل سنت معتقدند در روایات بیان‌کننده گریه آسمان و زمین در شهادت امام حسین علیه السلام، نظر و اشکال است و ظاهر این است که از ساخته‌ها و دروغ‌های شیعه است تا آن را بزرگ جلوه دهند و شکی نیست که آن امر بزرگی است؛ ولیکن این اتفاقاتی را که به دروغ گفتند واقع نشده؛ زیرا بزرگ‌تر از قتل حسین اتفاق افتاده و آنچه که شیعه ذکر کرده‌اند واقع نشده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز.
۳. ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴ ق)، تفسیر ابن ابی زمنین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲ ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الكتاب العربی.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۷. ابن فارس، احمد بن زکریا، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقانیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع و دار صادر.
۹. اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳ ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.
۱۰. ایجی، محمد عبدالرحمن، (۱۴۲۴ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۱۱. بابایی، رضا، (۱۳۸۷ ش)، «گریه و فواید آن»، مجله پیام، شماره ۹۲، ص ۳۳ - ۴۰.
۱۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة.
۱۳. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ ق)، الكشف و البیان (تفسیر الثعلبی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۴. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ ق)، تفسیر الثعالبی (بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.



۱۵. جباری، محمدرضا، (۱۳۸۲ ش)، «تلاطم نظام هستی بر شهادت امام حسین (ع)»، مجله معرفت، شماره ۶۵، ص ۸-۱۶.
۱۶. جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، (۱۳۸۸ ش)، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، قم: نور وحي.
۱۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۱۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۱۹. خازن، علی بن محمد، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الخازن (لباب التأویل فی معانی التنزیل)، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۲۰. زبیدی، ماجد ناصر، (۱۴۲۸ ق)، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت، بیروت: دار المحجة البيضاء.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۲. سعادت، قادر، (۱۳۹۲ ش)، «تأثر عالم از شهادت امام حسین (ع) از دیدگاه اهل سنت و نقد و بررسی دیدگاه ابن تیمیة»، مجله سراج منیر، شماره ۱۲، ص ۵۲-۷۰.
۲۳. سعدی، عبدالرحمن، (۱۴۰۸ ق)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، بیروت: مکتبة النهضة العربية.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ع).
۲۵. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۲۶. شوکانی، محمد، (۱۴۱۴ ق)، فتح القدیر، دمشق: دار ابن کثیر.
۲۷. شیبانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ ق)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم: نشر الهادی.
۲۸. شبر، عبدالله، (۱۴۰۷ ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: شركة مكتبة الالفین.
۲۹. صدیق‌حسن‌خان، محمد صدیق، (۱۴۲۰ ق)، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۳۰. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، (۱۴۱۱ ق)، تفسیر القرآن العزیز (تفسیر عبدالرزاق)، بیروت: دار المعرفة.



۳۱. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸ م)، التفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم للطبرانی)، اربد: دار الكتاب الثقافی.
۳۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
۳۴. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ ق)، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک.
۳۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر القمی، قم: دار الكتاب.
۳۹. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۴۲۳ ق)، زبدة التفسیر، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۴۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۳۳۶ ش)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
۴۲. کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۱۰ ق)، تفسیر المعین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۳. ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون (تفسیر الماوردی)، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۴۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۵. مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۶. معین، امراه و هنگامه بیادار و فاطمه ابوالحسنی، (۱۳۹۳ ش)، «تسیح موجودات غیر ذی شعور از دیدگاه قرآن»، مجله پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۷-۳۴.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.